



جنايات و هابيت در نجد در دوران اول، با تأکيد بر تاريخ ابن بشر

مجتبی محیطی*

چکیده

حکومت و هابیت از نظر تاریخی به سه دوره مختلف تقسیم می‌شود. وهابیان در دوره اول (۱۱۵۷-۱۲۳۴ ق) جنايات بی‌شماری مرتکب شدند. بیشتر این جنايات، در منطقه نجد رخ داد. از مهم‌ترین جنايات و هابیت در این دوران، می‌توان به قتل و غارت مردم ریاض، حریملا، قطیف و احسا اشاره کرد. در این مناطق، وهابیان چند هزار نفر را کشتند و اموال آنان را غارت کردند. ابن بشر، تاریخ‌نگار وهابی، بیشتر این جنايات را با عنوان «فتوحات» ذکر کرده است. این پژوهش با روش توصیفی و با تأکید بر کتاب ابن بشر، جنايات و هابیت را ذکر نموده و سپس با استفاده از دیگر منابع، عمق جنايات آنان را تبیین کرده است. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی مستقل در رابطه با جنايات و هابیت در منطقه نجد نوشته نشده است، اهمیت چنین پژوهش بیشتر قابل درک است.

کلیدواژه‌ها: جنايات و هابیت، کشتار مردم ریاض، و هابیت، محمد بن عبدالوهاب، نجد، ابن بشر، عنوان المجد، آل سعود.

* کارشناسی ارشد مؤسسه مذاهب اسلامی، پژوهشگر مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (ع).

مقدمه

«وهایت» جریانی تکفیری است که محمد بن عبدالوهاب آن را با همکاری محمد بن سعود در سال ۱۱۵۷ ق تأسیس کرد و تاکنون نیز ادامه دارد. حکومت وهابیان در سیصد سال گذشته، دارای فرازونشیب‌هایی بوده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تاریخ حکمرانی وهابیت بر عربستان را به سه بخش تقسیم کرد. در دوران نخست، که از سال ۱۱۵۷ تا سال ۱۲۳۴ ق را شامل می‌شود، وهابیان مسلمانان زیادی را کشتند و با قتل و غارت اموال مسلمانان، محدوده تصرف خود را از «درعیه» به کل منطقه نجد توسعه دادند و سرانجام بعد از حدود هشتاد سال، محمد علی پاشا، حاکم مصر، آنان را سرنگون کرد. در دوران دوم، که از سال ۱۲۳۵ تا سال ۱۳۱۹ ق را شامل می‌شود، وهابیت در حد حکومتی قبیله‌ای و کوچک تداوم داشت و بیشتر عمر آن به کشمکش‌های داخلی شاهزادگان سعودی بر سر قدرت سپری شد. در دوران سوم نیز، که از سال ۱۳۱۹ ق تا عصر حاضر است، حاکمان سعودی با کمک انگلستان بر مناطق مختلفی از شبه‌جزیره عربستان تسلط پیدا کردند.^۱

جنايات دوران اول وهابيت در منطقه نجد بسيار مهم است؛ زيرا دولت وهابي براي توجيه جنايات خود، رنگ ديني به آنها داد. محمد بن عبدالوهاب معتقد بود مردم بيش از ششصد سال است که مشرک شده‌اند و بايد آنها را به‌سوی توحيد دعوت کرد.^۲ اين در حالي بود که به‌اعتراف عبدالله صالح عثيمين، تاريخ‌نگار معاصر سعودی، مردم نجد در آن زمان حنبلي بودند و مذهب حنبلي در بين آنها از قرن نهم فراگير بود و عالمان حنبلي نيز هر قرن بيشتر از قرن قبل می‌شدند. هرچند در نجد همانند ديگر مناطق، خرافات و بدعت‌هاي مرسوم بود، ولي خرافات در اين منطقه به‌مراتب کمتر از ديگر مناطق بود و

۱. عزيزاده موسوی، سيدمهدی، تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت، ج ۱، ص ۳۲۱ تا ۳۲۴؛ عبدالملکی، محسن، وهابیت؛ تاريخ و افکار، ص ۱۴.

۲. «و صاروا يعتقدون ان من لم يعتقد ما قاله ابن عبدالوهاب فهو كافر مشرك مهدر الدم و المال». (دحلان، احمد زینی، فتنة الوهابية، ص ۵).

بنای بر قبور نیز در این منطقه مرسوم نبود.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد، جنایات وهابیت بیش از اینکه جنبه مذهبی داشته باشد، جنبه سیاسی داشته است. این حقیقت با بررسی جنایات وهابیت در تاریخ ابن بشر بهتر قابل درک است. ابن بشر، به عنوان یک مؤرخ وهابی، در کتابش کمتر دغدغه مذهبی را یادآوری کرده است؛ بلکه با ذکر جنایات وهابیت در قتل و غارت مردم مسلمان، از وهابیت تمجید کرده و از کفر و شرک مردم آن دیار چیزی ذکر نکرده است. وهابیان حتی به همفکران خود نیز رحم نکردند. بنابراین، اختلاف وهابیت، فقط با شیعیان نیست، بلکه به گواهی تاریخ، اولین کسانی که از وهابیت ضربه خورده‌اند، اهل سنت حنبلی مذهب بوده‌اند. این در حالی است که امروزه وهابیان در صدد هستند تا این حقیقت تاریخی را کتمان، و خود را مدافع اهل سنت معرفی کنند.

جنايات وهابيت را دو تن از تاريخ‌نگاران وهابي به نام‌های ابن بشر و ابن غنام ثبت کرده‌اند. این پژوهش به صورت توصیفی و بر اساس کتاب‌های تاریخی معتبر، به ویژه کتاب ابن بشر، به تبیین جنایات وهابیت در دوران اول، همت گماشته است. ضرورت این پژوهش زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم تاکنون پژوهشی مستقل در رابطه با جنایات وهابیت در سرزمین نجد نگاشته نشده است. هرچند پژوهشگرانی به بیان جنایات وهابیت پرداخته‌اند، ولی به جنایات وهابیت در نجد پرداخته‌اند یا به صورت گذرا به آن اشاره کرده‌اند. از جمله کتاب‌هایی که به تاریخ جنایات وهابیت پرداخته‌اند، کتاب فتنة الوهابية نوشته زینی دحلان، مفتي شافعي مذهب مکه است. با توجه به اینکه وی اهل مکه بود، بیشتر به جنایات وهابیت در مکه پرداخته است. کتاب کشف الإرتیاب في أتباع محمد بن عبدالوهاب، تألیف علامه سیدمحسن امین نیز به جنایات وهابیت پرداخته است، ولی او نیز به جنایات وهابیت در مکه و پس از آن پرداخته و به جنایات وهابیت در نجد اشاره‌ای نکرده است.^۲ ایوب صبری نیز در کتاب تاریخ وهابیان به بیان جنایات وهابیت پس از سال ۱۲۲۰ ق پرداخته و به جنایات آنان در منطقه نجد اشاره‌ای نکرده است. همچنین

۱. «و إن كانت الخرافات الصوفية و بناء القباب على القبور فيها أقل مما في غيرها». (عثيمين، عبدالله صالح، معارك الملك عبدالعزيز المشهورة لتوحيد البلاد، ص ۱۴).

۲. امین، سیدمحسن، کشف الإرتیاب، ص ۱۷.

سیدعلی موجانی در کتاب تقاریر نجد، به صورت تحلیلی بیشتر به تاریخ دوران سوم وهابیت پرداخته است. با توجه به نبودن پژوهشی مستقل در رابطه با جنایات وهابیت در سرزمین نجد، اهمیت این پژوهش دوچندان می شود.

جایگاه تاریخ ابن بشر

عثمان بن عبدالله بن بشر، معروف به ابن بشر، یکی از مهم ترین کتاب های تاریخی وهابیت را به رشته تحریر درآورده است. کتاب او با نام عنوان المجد فی تاریخ نجد، در دو جلد نگاشته شده است. اهمیت این کتاب به حدی است که از سوی عربستان بارها و بارها چاپ شده است. در مقدمه این کتاب، ابن عبدالطیف آل شیخ، مفتی اسبق عربستان، تقریظ زده و از ابن بشر با عنوان ادیب بزرگ و مشهور نام برده است.^۱ تاریخ عنوان المجد، دربردارنده حوادث سال های ۱۱۵۷ تا ۱۲۶۷ ق است.^۲ با توجه به اینکه محمد بن عبدالوهاب حکومت خود را در نجد تأسیس کرده است، اهمیت تاریخ ابن بشر در تبیین حوادث نجد جایگاه مهمی را ایفا می کند.

ابن بشر با بیان حوادث تاریخی درصدد شباهت سازی بین پیامبر خدا ﷺ و محمد بن عبدالوهاب است. او از این طریق می خواهد محمد بن عبدالوهاب را تا حد پیامبر، تعالی بخشد؛ به همین جهت، از جنگ های او با عنوان غزوه یاد کرده و از مسافرت محمد بن عبدالوهاب و یارانش از عینیه به درعیه، با عنوان «هجرت» و «دارالهجرة» نام برده است.^۳ کلمات «مسلمانان» و «مشرکان» از واژگان پرکاربرد است که ابن بشر از ابتدا تا انتهای کتاب خویش از آن بهره برده است. مقصود او از «مسلمانان» پیروان محمد بن عبدالوهاب است و مراد او از «مشرکان» اهل سنتی است که در آن مناطق می زیستند.^۴ ابن بشر به گونه ای در حق محمد بن عبدالوهاب سخن گفته است که گویی پیامبری جدید

۱. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۳ تا ۴۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۶.

در قرن دوازدهم طلوع کرده و به او وحی شده است.^۱ او با ذوق‌زدگی خاصی به جنایات وهابیت پرداخته و از این جنایات با عنوان «فتوحات» یاد کرده است. کلمه «فتوحات» برای جایی به کار می‌رود که مردم آن منطقه مشرک هستند و برای اولین بار است که اسلام به آن منطقه وارد شده است. به کاربردن کلماتی همچون «فتح مکه»، «فتح شام» و «فتح فارس» درباره فتوحات صدر اسلام، به این خاطر بود که مردم آن مناطق کافر و مشرک بودند و با فتح آن شهرها مردم به اسلام روی آوردند.^۲ بنابراین، استفاده از کلمه «فتوحات» توسط ابن بشر، دارای معنای خاصی است که بر شرک مردم نجد دلالت دارد. این در حالی است که مردم نجد پیرو مذهب حنبلی و از اهل سنت بودند.

سرزمین نجد

واژه (ن-ج-د) در لغت به معنای چیزی است که بر بزرگی و شرافت دلالت دارد؛^۳ به همین جهت، به سرزمینی که به لحاظ ارتفاع از سطح دریا بالاتر از دیگر مناطق قرار دارد، «نجد» گویند.^۴ سرزمین نجد در وسط جزیره العرب واقع شده است و در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به سه قسمت «وادی الداوسر و الفرع»، منطقه «بنی تمیم و الحریق» و محله «افلاج، خرج، عارض، محمل، سدیر، وشم، قصیم و جبل شمر» تقسیم کرد. در برخی زمان‌های تاریخی، این سرزمین به نام «یمامه» نیز نامگذاری شده است.^۵ در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان نجد را به سه امارت «ریاض»، «حائل» و «قصیم» تقسیم کرد.^۶

«نجد» نام سرزمین وسیعی است که در بالای آن تهامه و یمن، و در پایین آن عراق و شام واقع است و مرز نجد از سمت حجاز ذات عرق است. همچنین گفته‌اند که تمام نجد

۱. «فألقى الله في روع الشيخ منهم الخيانة»: (پس خداوند به شیخ محمد بن عبدالوهاب الهام کرد که آنها قصد خیانت دارند). (همان، ص ۵۵).

۲. راغب، عبدالواحد محمد، فجر الرياض، ص ۶۵.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۳۹۱.

۴. غیب‌غلامی، حسین، وهابیت قبل از نفت، ص ۴۷.

۵. عثیمین، عبدالله صالح، تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۳۶.

۶. نصیف، محمد، أخبار نجد من مجلة لغة العرب البغدادية، ص ۵۷.

از نواحی یمامه است.^۱

از نظر تاریخی، نجد جایگاه رفیع و مناسبی نداشته؛ بلکه در روایتی از پیامبر ﷺ این منطقه سرزنش شده است. در این روایت، که صحیح بخاری آن را نقل کرده است، چنین آمده که پیامبر ﷺ فرمودند: «خدايا، منطقه شام را برای ما پربرکت نما. خدايا، منطقه یمن را برای ما پربرکت نما». گروهی که در آنجا حضور داشتند گفتند: «ای رسول خدا، و در منطقه نجد ما؟» که یعنی برای پربرکت شدن آنجا نیز دعا کن. پیامبر ﷺ به درخواست این افراد اعتنایی نکردند و بعد از اصرار مجدد آنها، در مرتبه سوم اعلام کردند: «آنجا جایگاه آشوب‌ها و زمین لرزه‌هاست و شاخ شیطان از آنجا نمایان خواهد شد».^۲ شارحان صحیح بخاری، «شاخ شیطان» را به امت شیطان و پیروان شیطان تعبیر کرده‌اند.^۳

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۵ق در شهر عیینه، یکی از شهرهای نجد، به دنیا آمده است؛^۴ به همین جهت، وی به «شیخ نجدی» نیز معروف است. محمد بن عبدالوهاب دعوت خود را از نجد آغاز کرد و به همین دلیل، جنایات زیادی را در این سرزمین مرتکب شد. شهرهای ریاض، حریمله، عیینه، درعیه، عنیزه، بریده، زلفی در منطقه نجد واقع شده است.^۵

جنایات وهابیت در دوران اول

محمد بن عبدالوهاب دعوت خود را از زادگاهش، شهر عیینه، آغاز کرد. وی نزد حاکم شهر، عثمان بن حمد بن معمر، رفت و از او درخواست همکاری نمود و به او قول داد که اگر او را یاری کند، بر همه نجد غالب خواهد شد. عثمان بن حمد بن معمر درخواست او را پذیرفت و بدین ترتیب، اولین اقدام نظامی انجام شد. سپاهی ششصدنفره به فرماندهی

۱. آلوسی، محمود سُکری، تاریخ نجد، ص ۱۶.

۲. «ذَكَرَ النَّبِيُّ ﷺ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَأْمِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمَنِنَا. قَالُوا: وَ فِي نَجْدِنَا. قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَأْمِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمَنِنَا. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي نَجْدِنَا؟ فَأُطِنْتُ قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: هُنَاكَ الرَّزَالُ وَ الْفِتْنُ، وَ بِهَا يُطْلَعُ قَزْنُ الشَّيْطَانِ». (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۳).

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، مقدمة فتح الباری، ص ۱۶۸.

۴. آلوسی، محمود سُکری، تاریخ نجد، ص ۱۴۸.

۵. همان، ص ۱۸ و ۳۳؛ مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان، وهابیت سیاسی، ص ۱۱۹ تا ۱۲۳.

عثمان بن حمد بن معمر به‌سوی قبر زید بن خطاب، صحابی پیامبر ﷺ، حرکت کرد و به‌امیر محمد بن عبدالوهاب قبرِ برادرِ خلیفهٔ دوم، که زیارتگاه مسلمانان بود، تخریب شد؛^۱ چراکه محمد بن عبدالوهاب با ساخت بارگاه برای بزرگان دین و توسل به آنان مخالف بود و این قبیل اعمال را شرک می‌دانست.^۲ وی فقط به تخریب اماکن مقدس مسلمانان اکتفا نکرد و کارهای دیگری نیز انجام داد؛ از جمله اینکه بعد از مدتی زنی را به‌اتهام زنا سنگسار کرد. چنین حوادثی به گوش والی احسا رسید و از آنجا که عینه یکی از بلاد تحت نفوذ حاکم احسا بود، او به عثمان بن حمد بن معمر، حاکم عینه، نامه‌ای نوشت و در آن دستور داد که محمد بن عبدالوهاب را بکشد یا از شهر بیرون بیندازد. حاکم عینه مجبور شد وی را از شهر اخراج کند. محمد بن عبدالوهاب از عینه به درعیه وارد، و در آنجا با محمد بن سعود، حاکم درعیه، هم‌پیمان شد^۳ و به وی وعده داد که اگر از او طرفداری کند، عزت و قدرت فراوانی برای خودش و فرزندانش به وجود خواهد آمد.^۴ محمد بن سعود درخواستِ محمد بن عبدالوهاب را با یک شرط پذیرفت و آن‌هم اینکه غنایمی را که از اهل درعیه به دست می‌آید، به او بپردازد. ابن عبدالوهاب پذیرفت و او را به دستیابی به غنایم بسیار زیادتری امیدوار کرد^۵ و همین طور هم شد؛ زیرا آنان با لشکرکشی به مناطق مسلمان‌نشین، مسلمانان زیادی را آواره کردند و مال و ثروت آنها را به غنیمت گرفتند. تا جایی که ابن‌بشر در رابطه با غنایم به‌دست‌آمده توسط دولت وهابی می‌نویسد که در دوران سعود بن عبدالعزیز بن محمد بن سعود، ثروت وهابیت از طلا و نقره و شتر و... بسیار زیاد شد تا جایی که حدی برای آن نبود.^۶

وهابی‌ان بر این باور بودند که هرکس دیدگاهی برخلاف دیدگاه محمد بن عبدالوهاب

۱. ابن‌بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۳۸؛ عثیمین، عبدالله صالح، معارك الملك عبدالعزيز المشهورة لتوحيد البلاد، ص ۱۶.

۲. ابن‌غنام، حسین، تاریخ ابن‌غنام، ج ۲، ص ۷۰۷، ۷۰۹؛ زهاوی، جمیل صدقی، الفجر الصادق، ص ۱۹.

۳. ابن‌بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۴۰ و ۴۱.

۴. همان، ص ۴۲.

۵. همان.

۶. همان، ص ۴۴.

داشته باشد، کافر و مشرک است و باید خونش ریخته شود و مالش به غنیمت برود.^۱ دولت وهابی با لشکرکشی به مناطق مسلمان نشین نجد به مسلمانان می گفت باید گواهی دهند که کافرند و پدر و مادرشان نیز کافر بودند و در حالت کفر از دنیا رفته اند. اگر مسلمانان سخن محمد بن عبدالوهاب را می پذیرفتند و شهادت به کفر خود و والدین خویش می دادند، به آنها گفته می شد که توبه کنند تا مسلمان شوند، و اگر مسلمانان سخنان وهابیت را نمی پذیرفتند، کشته می شدند.^۲ در زمان محمد بن عبدالوهاب بسیاری از علما و صالحان کشته شدند؛ چون با دیدگاه او مخالفت کردند.^۳ دولت وهابی کتاب های زیادی را به آتش کشید،^۴ قبور برخی اولیای الهی نبش کرد؛ تا جایی که مراقد برخی بزرگان صحابه را، که مسلمانان به زیارت آن می رفتند، به توالت و زباله دان تبدیل نمود و همچنین مردم را از صلوات بر پیامبر ﷺ و از تلاوت دعا بعد از اقامه نماز نهی کرد.^۵

۱. کشتن عثمان بن معمر

عثمان بن معمر، رئیس و حاکم شهر عیینه، اولین کسی است که محمد بن عبدالوهاب را یاری کرد. با کمک و یاری او قبر زید بن خطاب تخریب شد؛ اما چون حاکم احسا او را ترساند، دست از حمایت محمد بن عبدالوهاب برداشت و او را از شهر خارج کرد. اما طولی نکشید که دوباره به سوی محمد بن عبدالوهاب آمد و دست بیعت به سوی او دراز کرد. وی از سال ۱۱۵۸ تا سال ۱۱۶۳ ق، در خدمت محمد بن عبدالوهاب بود و برخی از جنگ ها را نیز فرماندهی کرد؛ ولی در عین حال به اتهام خیانت و به دسیسه محمد بن عبدالوهاب، در سال ۱۱۶۳ ق بعد از نماز جمعه در مسجد کشته شد.^۶ این در حالی است

۱. «و صاروا یعتقدون ان من لم یعتقد ما قاله ابن عبدالوهاب فهو کافر مشرک مهدر الدم و المال». (دحلان، احمد زینی، فتنه الوهابیه، ص ۵).

۲. زهاوی، جمیل صدقی، الفجر الصادق، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان.

۶. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۶۰.

که ابن بشر، به عنوان مهم‌ترین تاریخ‌نگار وهابی، سندی بر خیانت عثمان بن معمر ارائه نکرده است. تنها دلیلی که وی آورده، این است که خداوند بر دل محمد بن عبدالوهاب چنین الهام کرد که وی قصد خیانت دارد.^۱

۲. جنایات وهابیت در ریاض

ریاض، پایتخت فعلی کشور عربستان، در منطقه نجد واقع شده است. پس از همکاری محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود، و تشکیل دولت وهابی در درعیه، یکی از مناطقی که همیشه حاکمان وهابی برای تصرف آن تلاش می‌کردند، شهر ریاض بود. حاکم ریاض در آن زمان دهام بن دواس بود. جنگ‌های وهابیت و حاکم ریاض، بیست‌وهفت سال به طول انجامید و در این مدت ۱۷ درگیری بین این دو حکومت به وجود آمد؛^۲ تا اینکه بالاخره در سال ۱۱۸۷ق وهابی‌ها ریاض را اشغال کردند.^۳ در این سال، عبدالعزيز بن سعود به شهر ریاض حمله کرد. قتل و کشتار در ریاض چندین شبانه‌روز به طول انجامید. به این صورت که شب‌ها استراحت می‌کردند و روزها با یکدیگر می‌جنگیدند. ابن غنام و ابن بشر، دو تاریخ‌نگار وهابی، نقل کرده‌اند که در این جنگ‌ها (۲۷ سال) چهار هزار نفر کشته شدند: ۱۷۰۰ نفر از وهابی‌ان و ۲۳۰۰ نفر از اهل ریاض.^۴

ابن بشر درباره نحوه تصرف ریاض توسط عبدالعزيز بن سعود می‌نویسد:

حاکم ریاض به اهالی شهر توصیه کرد که فرار کنند. بیشتر مردان، زنان و کودکان بدون هیچ‌گونه آب و غذایی خانه و اموال خود را رها کردند و به سمت «خرج» گریختند. بسیاری از آنان در اثر تشنگی و گرسنگی جان دادند.^۵

مردم با فرار از شهر، همه اموال و خانه‌های خود را رها کردند و به بیرون از شهر رفته بودند. غذاها و مأكولات را رها کردند و بدون اینکه در خانه‌های خویش را

۱. همان، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. عثیمین، عبدالله صالح، تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۴. ابن غنام، حسین، تاریخ ابن غنام، ج ۲، ص ۷۹۹؛ ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۵. «ففر أهل الرياض في ساقته الرجال و النساء، هربوا على وجوههم إلى البر في ساقته الرجال و النساء هربوا على وجوههم إلى البر و قصدوا الخرج و هلك منهم خلق كثير عطشا و جوعا». (ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

ببندند، از شهر گریختند. در این جنگ، بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند.^۱

فیلیبی در تاریخ خود می‌نویسد:

مردم شهر از ترس عبدالعزیز فرار کردند؛ در حالی که فصل تابستان بود و هوا بسیار گرم. از شدت گرما بسیاری از مردم به‌خاطر تشنگی و گرسنگی جان باختند. عبدالعزیز سپاهش را به‌سوی فراریان فرستاد. آنان بازماندگان و درماندگان را در راه کشتند و اموالشان را جمع‌آوری کردند و به غنیمت گرفتند.^۲

تاریخ ابن غنم، که از نظر نقل تاریخی، قدیمی‌تر از تاریخ عنوان المجد ابن بشر است، در رابطه با جنایات وهابیت در ریاض می‌نویسد:

زمانی که عبدالعزیز به نزدیکی شهر ریاض رسید، دو سال در آنجا منزل گزید؛ به‌گونه‌ای که روزها قتال، و شب‌ها استراحت می‌کرد. تا اینکه وهابی‌ها توانستند به برج‌های مراقبت اهل ریاض دسترسی پیدا کنند. آنها این اماکن را ویران کردند و مردانی از اهل ریاض در این حملات کشته شدند. این کشت‌و‌کشتار ادامه پیدا کرد تا اینکه دهام، حاکم ریاض، مجبور به ترک این شهر شد؛ چون نگران اهل و عیال و اموالش بود. بعد از آنکه حاکم ریاض شهر را ترک کرد، عبدالعزیز در ربیع‌الثانی همان سال وارد شهر ریاض شد و آنجا را خالی از سکنه یافت. وی به‌همراه اصحابش به‌سوی آنان حرکت کرد و در مسیر حدود ۴۰۰ نفر را کشت.^۳

۳. جنایات وهابیت پس از تصرف ریاض

بعد از اینکه وهابیان بر ریاض تسلط یافتند، قدرتشان بسیار بیشتر شد. قدرت بیشتر، خشونت بیشتر را به ارمغان آورد. در حوادثی که تاریخ‌نگاران وهابی نوشته‌اند، گسترش خشونت وهابیت در قبال مردمان شهرهای اطرافشان بسیار مشهود است. ابن بشر درباره حوادث سال ۱۱۸۸ ق می‌نویسد:

سعود بن عبدالعزیز به‌سوی منطقه «بلدم» حرکت کرد. شبانگاه به آن منطقه رسید و کمین کرد و کسانی را برای غارت اموال آن منطقه آماده کرد. همین که صبح

۱. «و مات ممن تبع دهام فی هزیمته نحو من أربعائة». (همان، ص ۱۲۰).

۲. «و قد هرب معظم السكان معه إلى الخرج في منتصف فصل الصيف الشديد الحرارة و كان ذلك في شهر حزيران فمات كثيرون منهم من شدة الجوع و العطش... ثم أرسل جيشه في أثر الهاربين قاتلا الميثئين منهم و ناهياً أموالهم». (فیلیبی، هری سنت جان بریجر، تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبدالوهاب، ص ۶۲).

۳. ابن غنم، حسین، تاریخ ابن غنم، ج ۲، ص ۷۹۴ تا ۷۹۷.

فرا رسید، یورش بردند و گوسفندان زیادی را به عنوان غنیمت گرفتند. مردم شهر بدم به مقابله برخاستند؛ ولی شکست خوردند و حدود ده نفر از آنان کشته شد. سعود بن عبدالعزیز از آنجا به سوی شهر «زلفی» حرکت کرد و همه آنان را کشت و به این ترتیب، بر آنان پیروز شد.^۱

وی همچنین درباره حوادث سال ۱۱۸۹ ق می نویسد:

عبدالعزیز به سمت منطقه «الخرج» حرکت کرد و روستایی در همان نزدیکی را غارت کردند. مردم آن شهر به پا خاستند و بین وهابیان و آنان جنگی صورت گرفت و در نهایت، وهابیان آنان را محاصره کردند. دوازده نفر از آنان را کشتند و برخی درختان نخل را قطع کردند.^۲

درباره حوادث سال ۱۱۹۱ ق نیز آمده است که عبدالعزیز به شهر «خرج» وارد شد و آنان با او مقابله کردند. عبدالعزیز نیز در حالی که از شهر خارج می شد، درختان نخل را قطع کرد و زراعت ها را از بین برد و تعدادی از مردان را کشت.^۳ همچنین درباره حوادث سال ۱۱۹۵ ق آمده است که عبدالعزیز وقتی به بنی تمیم حمله کرد، بزرگ ترین درخت نخل را، که به «رحیل» معروف بود، قطع کرد و سپس ۱۵ نفر از مردم را کشت و بعد از آن به سوی «دلیم» حرکت کرد و نخل های زیادی را قطع نمود. از آنجا به «نعجان» رفت و نخل هایی را در آنجا قطع کرد و از آنجا نیز به سوی «یمامه» حرکت کرد و آنان را کشت و برج های مراقبت آنان را تخریب کرد.^۴ همچنین درباره حوادث سال ۱۱۹۶ ق آورده است که وقتی سعود بن عبدالعزیز به منطقه «الروضة» رسید، درگیری شدیدی رخ داد و سعود درختان نخل زیادی را قطع کرد.^۵

در سال ۱۱۹۵ ق، سعود بن عبدالعزیز به سوی قبایل ظفیر حرکت کرد و بین لشکریان سعود و قبایل ظفیر جنگ سختی درگرفت. در این جنگ، وهابیان پیروز شدند و غنایم زیادی کسب کردند. آنها ۱۷ هزار گوسفند، ۵ هزار شتر، ۱۵ اسب و اموال زیادی دیگری

۱. «فقاتلهم فظفر بهم و قتلهم أجمعين...». (ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۲، ص ۱۲۳).

۲. همان، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۱۳۶.

۴. همان، ص ۱۴۴.

۵. همان.

را به غنیمت بردند. در این جنگ، تعداد زیادی از مردان و جنگجویان طرف مقابل کشته شدند. سعود یک پنجم این غنایم را برای خود برداشت و بقیه را بین جنگجویانش تقسیم کرد.^۱

ابن بشر دربارهٔ حوادث سال ۱۱۹۷ ق نوشته است که وقتی سعود به منطقه بالای نجد حرکت کرد، گوسفندان و شتران و اسباب و اثاثیه آنان را به عنوان غنیمت گرفت و از بزرگان آنان تعدادی را کشت و سپس به شهر خود بازگشت.^۲

دربارهٔ سال ۱۱۹۹ ق، ابن بشر نقل کرده است که سعود بن عبدالعزیز به سمت «خرج» حرکت کرد و در میان راه متوجه شد که قافله‌ای سیصد نفره از شهر «خرج» در حال حرکت است. خود را به آنان رساند در حالی که آنان بسیار تشنه بودند. ابتدا به سواره و پیاده آنان آب نوشاند و بعد از آن همهٔ کاروان را غارت کرد و ۷۰ نفر از آنان را کشت. سپس شترها را خوابانید و کسانی را که بر شتر سوار بودند، پیاده کرد و حدود یک ساعت کشت و کشتار ادامه پیدا کرد. سپس تمام اموال و اثاثیه و پول و شتر و... را از آنان گرفت.^۳

در سال ۱۲۰۰ ق، سعود بن عبدالعزیز به ناحیه جنوب نجد حمله کرد و شتران و اموال منازل آنان را به غارت برد.^۴ در همین سال، یکی از امیران آل سعود به قافله‌ای که از بصره خارج شده بود، حمله کرد و همهٔ اموال آنان را به تاراج برد و تعداد زیادی از آنان را کشت.^۵ در سال ۱۲۰۱ ق، یکی دیگر از امیران آل سعود به منطقه «شمر» یورش برد و همهٔ اموال و شتران آن منطقه را به غنیمت گرفت و بیش از صد نفر را کشت.^۶

در سال ۱۲۰۲ ق، سعود بن عبدالعزیز به عنوان ولیعهد انتخاب شد. محمد بن عبدالوهاب به همهٔ اهل نجد فرمان داد که با سعود بن عبدالعزیز بیعت کنند تا بعد از

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. «فأقبلت القافلة و كانت على ظمأ و قدموا لهم ركاباً و رجالاً إلى الماء فأغار عليهم سعود فقتلهم ثم أناخت الحدة فنزلهم سعود و استمروا ساعة في جلال و قتال...» (همان، ص ۱۵۵).

۴. «فأغار على عربان قحطان فأخذ غالب ابلهم و محلتهم» (همان، ص ۱۵۷).

۵. «فرصد لهم فيها فوافقها و معها كثير من اللباس و القماش لأهل الجبل و غيرهم فأخذها و قتل من الحدة قتلى كثيرة» (همان).

۶. همان، ص ۱۶۰.

پدرش، عبدالعزيز، امور حکومت را به دست گیرد.^۱ سعود بن عبدالعزيز بعد از اینکه ولیعهدی را به دست آورد، به منطقه شمال نجد حمله کرد و به اطراف شهر قصیم و بر عرب‌های بادیه‌نشین «عنزه» یورش برد. تعدادی از آنها را گرفت و تعدادی از مردان آنان را کشت.^۲

سلیمان بن عقیصان، یکی از فرماندهان وهابی، به همراه اهالی «خرج» و برخی دیگر از مناطق نجد، برای تصرف بندر عقیق، که از بنادر معروف احسا است، حرکت کرد. در بین راه، به عیسی بن غفیان برخورد کرد که با سپاهی در حال حرکت بود. تعدادی از آنان را گرفتند و بیشترشان را کشتند و از آنجا به سمت بندر عقیق حرکت کردند و هر آنچه در آنجا یافتند، به یغما بردند و سپس آنجا را آتش زدند.^۳

در سال ۱۲۰۳ق، سعود بن عبدالعزيز به شرق احسا یورش برد و از اهالی آن منطقه سیصد نفر را کشت.^۴ وی همچنین در سال ۱۲۰۵ق، به منطقه شمالی نجد، جریسیه، یورش برد و حدود ۵۰ نفر از مردان آن منطقه را کشت و تمام اموال و گوسفندان و شتران و اثاثیه مردم را به غارت برد.^۵

جنگ و غارت‌های پی‌درپی وهابیت در مناطق مختلف نجد باعث شد که شریف غالب، حاکم مکه، با سپاه عظیمی به سوی وهابیت حرکت کند. بسیاری از مردم منطقه نجد که از ترس جان خویش با وهابیت هم‌پیمان شده بودند، زمانی که سپاهیان شریف غالب را مشاهده کردند، عهد خود را شکستند و با سپاهیان شریف همراه شدند. شریف حدود یک ماه قصر الشعرا را، که در تصرف عبدالعزيز بود، محاصره کرد؛ ولی نتوانست وارد قلعه شود و به همین جهت، به سمت مکه بازگشت. قبایلی از نجد که شریف غالب را همراهی کرده بودند به شهرهای خود برگشتند. بیشتر کسانی که به شریف

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان.

۳. «...ثم سار إلى العقير فأخذ ما فيه وأشعل فيه النار». (همان، ص ۱۶۳).

۴. «و نازل أهل قرية الفضول في شرقي الاحساء فأخذها وقتل من أهلها نحو ثلثمائة رجل». (همان، ص ۱۶۸).

۵. «و قتل منهم نحو خمسين رجلا و غنم المسلمون ما معهم من الأموال و الأمتعة و الأثاث و الزاد و الإبل و الغنم».

(همان، ص ۱۷۳).

پیوسته بودند از قبایل «مطیر» و «شمر» بودند. در این زمان، سعود بن عبدالعزیز برای تأدیپ مردم این قبایل به آنان حمله کرد. جنگ و درگیری زیادی بین آنان صورت گرفت و سعود تعداد زیادی از آنان را کشت و همه اموال مردم آن منطقه را از شتر و گوسفند و اثاثیه منزل به تاراج برد و سرزمین آنها را اشغال کرد.^۱

در سال ۱۲۰۶ق، سعود بن عبدالعزیز به سوی منطقه «جبل شمر» حرکت کرد. در آن منطقه چشمه آبی وجود داشت؛ به همین جهت عرب‌های زیادی از قبایل مختلف در اطراف آن جمع شده بودند. در سال ۱۲۰۶ق، سعود بن عبدالعزیز صبحگاهان به آنجا حمله کرد و همه اموال آنان از شتر و گوسفند و دیگر وسایل را به تاراج برد. بیشتر از ۲۰ اسب از آنان گرفت و تعدادی از مردان آنان را کشت. سعود یک‌پنجم اموال را برای خودش برداشت و بقیه اموال را بین سربازانش تقسیم کرد.^۲ فیلیبی نیز آورده است که وقتی سپاهیان سعود به شهر حمله کردند، مردم گریختند و شهر خالی از سکنه بود. سواره‌نظام وهابی دو روز کامل به دنبال مردم رفتند تا به اهالی شهر رسیدند و تا جایی که توانستند مردم را کشتند و اموال مردم را غارت کردند^۳ و بیش از صد هزار گوسفند و یازده هزار شتر را به غنیمت گرفتند.^۴

۴. جنایات وهابیت در حریملا

عبدالعزیز با لشکری هشتصدنفره در حالی که بیست سواره‌نظام نیز او را همراهی می‌کردند، به حریملا حمله کرد. او لشکر را به دو قسمت تقسیم کرد: سپاهی دویست‌نفره را تحت فرماندهی مبارک بن عدوان قرار داد و بقیه سپاه را خود فرماندهی می‌کرد. سپاهیان در دو قسمت کمین کردند. قسمتی از سپاه، صبحگاه به شهر یورش برد و اموال

۱. «و ذلك إن كثيرا من البوادي الذين ساروا مع الشريف انفردوا عندما رجع إلى مكة و أكثرهم من قبائل مطير و قبائل شمر. ما غاب من...». (همان، ص ۱۷۶ و ۱۷۷).

۲. «...فأغار عليهم و صبحهم فيها و أخذهم جميعهم و حاز منهم أموالا عظيمة من الإبل و الغنم و الأمتعة و الأزواد و أخذ منهم...». (همان، ص ۱۷۹ و ۱۸۰).

۳. «قتبعم فرسان الوهابين و طاردوهم مقده يومين کاملين يقتلون منهم من يقتلون و ينهبون ما ينهبون». (فیلیبی، هری سنت جان بریجر، تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبدالوهاب، ص ۸۳).

۴. «و قد بلغ ما غنموه منهم مائة ألف رأس من الغنم و أحد عشر ألف جمل». (همان).

مردم را غارت کرد. سروصدایی از شهر بلند بود. در این زمان، سواره‌نظام‌ها به دیگر سپاهیان پیوستند و شهر را غارت کردند و تعداد زیادی را کشتند. مردم از ترس از شهر فرار کردند. در این هنگام، سپاه‌یانی که در کمین اول بودند، حمله را شروع کردند و سپس دسته دوم، حمله را آغاز کردند و مردم بین دو کمین قرار گرفتند. مردم از ترس به کوه‌ها و دره‌ها فرار کردند. سپاهیان عبدالعزیز بیش از صد نفر را کشتند؛ جز کسانی که از شهر خارج نشده بودند.^۱

۵. جنایات و هابیت در قطیف

قطیف در شرق نجد واقع شده است؛^۲ ولی با توجه به اینکه تاریخ‌نگاران و هابی از این منطقه ذیل تاریخ نجد سخن گفته‌اند، مناسب است که در اینجا به آن اشاره شود. در سال ۱۲۰۷ق، سعود بن عبدالعزیز به قطیف حمله کرد. و هابی‌ها شهر را محاصره کردند و از دیوار بالا رفتند و تمام اموال شهر را به غارت بردند. این اموال به قدری زیاد بود که قابل شمارش نبود. و هابی‌ان ۵۰۰ نفر از اهل قطیف را کشتند و سپس به سمت شهر «قدیح» رفتند و اموال آن شهر را نیز به تاراج بردند. تعدادی از مردان آن منطقه را نیز کشتند و سپس شهر «عوامیه» را تصرف کردند. بعد از آن، شهر «فرضه» را محاصره کردند؛ زیرا اکثر مردم قطیف به این شهر فرار کرده بودند. مردم شهر «فرضه» با و هابیت مصالحه کردند و با پرداخت سه هزار سکه طلا، جان خود را خریدند. و هابی‌ان همه معابد و مساجد را ویران کردند و کتاب‌های مذهبی را به آتش کشیدند.^۳

با توجه به اثر تاریخی ابن بشر، مشخص می‌شود که بین اهل قطیف و و هابی‌ان جنگی صورت نگرفته است؛ زیرا ابن بشر تأکید دارد که این شهرها «عنوه» به دست و هابی‌ان افتاده است. ولی با اینکه و هابی‌ان با اهل قطیف سرجنگ نداشتند، حدود ۵۰۰ نفر از آنان را کشتند.

۱. «فلما أصبح الصباح و فرغ من صلاته داعي الفلاح شنت عليهم الغارة فخرجت عليهم افزع البلد و يلحقونهم فناشيوهم القتال...». (ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد في تاريخ نجد، ج ۱، ص ۷۰).

۲. آلوسی، محمود شُکری، تاريخ نجد، ص ۲۹.

۳. «و قصد القطيف و حاصر أهل سيهات و تسور المسلمون جدارها و أخذوها عنوه و أخذوا ما فيها من الأموال و غير ذلك مما لا يعد و لا يحصى و أخذوا عنك عنوه و قتل منهم خمسمائة رجل ثم...». (همان، ص ۱۷۸).

کتاب لمع الشهاب في سيرة محمد بن عبد الوهاب، جنایات وهابیت در سرزمین قطیف را بهتر بیان کرده است. او می نویسد:

عبدالعزیز سپاهی هشت هزار نفره را به فرماندهی ابراهیم بن عفیصان به قطیف فرستاد. لشکر وهابیت در ابتدا به سمت «سیهات»، یکی از روستاهای جنوب قطیف، حرکت کرد. بین دو سپاه جنگ شد و ابراهیم بن عفیصان شکست خورد و در شمال قطیف در محلی به نام «ظهران» حدود ده روز توقف کرد. در این مدت به روستاهای اطراف قطیف حمله کرد و حتی کودکان شیرخوار را نیز کشت و اموال آنان را به غارت برد. مردم این نواحی از ترس، اطاعت از ابن عفیصان را پذیرفتند.^۱ مدتی بعد، سپاه قطیف، که این جنایات را مشاهده کرده بود، به فرماندهی عبدالله بن سلیمان از قلعه خارج شد تا با سپاهیان وهابی بجنگد. این جنگ سه ساعت طول کشید؛ ولی سپاهیان قطیف شکست خوردند و فرار کردند. نیمه شب، سپاهیان وهابیت وارد شهر قطیف شدند و تا طلوع آفتاب مردم شهر را کشتند و حتی به کودکان شیرخوار نیز رحم نکردند؛ تا جایی که بیش از هزار نفر کشته شدند.^۲

۶. جنایات وهابیت در منطقه بنی خالد

در سال ۱۲۰۷ق، سعود بن عبدالعزیز به سوی عرب‌های منطقه بنی خالد حرکت کرد. وی به سوی آنان یورش برد و آنان نتوانستند بیشتر از حدود یک ساعت مقاومت کنند. همه مردم منطقه بنی خالد گریختند. آن قدر ترس و وحشت آنان را فرا گرفته بود که هیچ کس به فکر شخص دیگری نبود؛ تا جایی که حتی پدر و مادر و فرزند خود را از یاد برده بودند. وهابیان به دنبال آنها حرکت کردند و آنان را کشتند و اموالشان را غارت کردند. افراد زیادی از بنی خالد یا کشته شدند یا بر اثر تشنگی از دنیا رفتند؛ تا جایی که گفته شده است که بیش از هزار نفر مُردند.^۳ فیلبی تعداد کشته شدگان را بین هزار تا دو هزار نفر دانسته

۱. «فجعل يغزو أطراف القطيف وينهب و يقتل حتى الأطفال في المهد و أطاعه أكثر قرى القطيف». (نویسنده نامشخص، لمع الشهاب في سيرة محمد بن عبد الوهاب، ص ۷۲).

۲. «حتى مضى نصف الليلة دخلوا القطيف فأمر بالقتل الذريع إلى طلوع الشمس لكل أحد». (همان، ص ۷۴).

۳. «فنهض المسلمون فرسانا و ركباناً فلم يلبثوا لهم ساعة واحدة حتى إنهمزوا لا يلوى أحد على أحد و لا والد على ما ولد فتبعهم قتلا و نهبا و...». (ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد في تاريخ نجد، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

است.^۱ سعود بن عبدالعزيز پس از کشت و کشتار مردم، همه حیوانات و اموال آنان را به غنیمت گرفت. در بین حیوانات، بیش از دویست اسب بود که همه آنها را به تاراج برد. وی اموال را بین خود و سربازانش تقسیم کرد. یک پنجم اموال را برای خود برداشت و بقیه را بین دیگران تقسیم کرد.^۲

در سال ۱۲۰۸ ق، سعود بن عبدالعزيز به منطقه «مبرز» حمله کرد و بیش از صد مرد از افراد این منطقه را کشت. وی از آنجا به سوی شهر «ابن بطال» حرکت کرد. مردم آنجا نیز از ترس گریختند و وهابیان تعداد زیادی از آنان را کشتند و همه اموال و دارایی مردم از حیوان و... را به غنیمت بردند.^۳ در سال بعد، لشکریان سعود به منطقه شمال نجد حمله کردند و مردان زیادی را کشتند و بیش از ۲۵۰۰ شتر را به غنیمت گرفتند.^۴

۷. جنایات وهابیت در احسا

احسا در شرق نجد واقع شده است؛ ولی با توجه به اینکه تاریخ نگاران وهابی از این منطقه ذیل تاریخ نجد سخن گفته اند، ذکر این منطقه ذیل مبحث نجد، مناسب دارد. در سال ۱۲۱۰ ق، سعود بن عبدالعزيز به منطقه ای از احسا حمله کرد. لشکریان وی شبانگاه در منطقه ای به نام «قرب الرقیقه» توقف کردند. دستور صادر شد که همه وهابیان آتش روشن کنند. صبحگاهان قبل از طلوع خورشید، همه سربازان سعود به یکباره تفنگ های خود را شلیک کردند. گویی زمین لرزه ای بر پا شده بود. آسمان پر از دود، و تاریک شد. زنان زیادی از شهر احسا که حامله بودند، از ترس دچار سقط جنین شدند. مردم از ترس تسلیم شدند. سعود دستور داد همه مردم از شهر خارج شوند. در مدت یک ماهی که سعود در آنجا توقف داشت، هرکسی را که دوست داشت، کشت و هرکسی را که تمایل

۱. «و یقدر عدد قتلی قبیلة بنی خالد فی تلك المعركة و فی اثناء هزیمتهم بألف إلى ألفی قتیل». (فیلیبی، هری سنت جان بریجر، تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبدالوهاب، ص ۸۵).

۲. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۳. «ثم بعد أيام سارت الجموع إلى المبرز فكمّنوا لهم فجرت وقعة المحیرس قتل فیها من أهل المبرز مقتلة عظيمة قیل أن القتلی ینیفون عن المائة رجل...». (همان، ص ۲۰۵).

۴. «فهرزهم و قتل منهم رجالاً كثيرة و أخذ منهم ألفاً و خمسمائة بعیر و جمیع أغنامهم و محلتهم و أثاثهم». (همان، ص ۲۱۰ و ۲۱۱).

داشت، آزاد کرد و هرکسی را که مایل بود، زندانی نمود. اموال آنان را گرفت و شوکت و قدرت آنان را درهم شکست. در این جنگ، سعود بن عبدالعزيز اموال زیادی به غنیمت برد که قابل شمارش نبود.^۱

در این سال‌ها، وهابی‌ان تقریباً همه مناطق نجد را تصرف کردند و برای خود جبروتی پیدا کرده بودند؛ به همین جهت، از سال ۱۲۱۴ ق، حملات وهابی‌ان مناطقی فراتر از نجد را شامل شد. سعود بن عبدالعزيز تصمیم گرفته بود برای کسب اقتدار بیشتر، حملات خود را به خارج از نجد بکشاند و بدین ترتیب بعد از آن، به مناطقی همچون مکه، جده، کربلا و نجف حمله کرد.^۲

نتیجه

وهابی‌ان بعد از تشکیل حکومت در نجد، جنایات زیادی مرتکب شدند. آنان به بهانه اینکه مردم نجد ایمان نیاورده‌اند و مشرک هستند، جان هزاران نفر از مسلمانان را گرفتند و اموال زیادی را به غارت بردند. این در حالی بود که مردم نجد پیرو مذهب حنبلی بودند و در احکام فقهی از او تبعیت می‌کردند. در دوره اول، بیشتر جنایات وهابیت متوجه مردم نجد بود. وهابی‌ان در مدت حدود ۸۰ سال به شهرهای مختلف نجد حمله کردند. از جمله جنایات آنان می‌توان به قتل و غارت مردم ریاض، حریملا، قطیف و احسا اشاره کرد. از آنچه تاریخ‌نگاران وهابی روایت کرده‌اند، به دست می‌آید که هدف وهابی‌ان از حمله به شهرهای مسلمان‌نشین، کسب شهرت و قدرت بوده است. با توجه به اهمیت سرزمین نجد در گسترش تفکر وهابیت، تحقیق و پژوهش در موضوعات «جنایات وهابیت در منطقه نجد در دوران دوم» و همچنین «بررسی غلو در حق محمد بن عبدالوهاب از دیدگاه ابن‌بشر» به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود.

۱. «فلما أصبح الصباح رحل سعود بعد صلاة الصبح فلما كان قبل طلوع الشمس ثور المسلمين بنادقهم دفعة واحدة فارجفت الأرض و أظلمت السماء و ثار عج الدخان في الجو و أسقط كثير من الحوامل في الاحساء ثم...» (همان، ص ۲۱۶ و ۲۱۷).

۲. همان، ص ۲۵۷ تا ۲۶۶.

کتابنامه

۱. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، **عنوان المجد في تاريخ نجد**، رياض: مطبوعات دار الملك عبدالعزيز، ۱۴۰۲ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **مقدمة فتح الباري**، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۳. ابن غنام، حسین، **تاریخ ابن غنام**، بی جا: دار الثلوثیة، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۴. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الجیل، ۱۴۲۰ق.
۵. امین، سیدمحسن، **کشف الإرتیاب؛ فی أتباع محمد بن عبدالوهاب**، بیروت: بی نا، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.
۶. آلوسی، محمود سُکری، **تاریخ نجد**، تحقیق: محمد بهجه اثری، بغداد: دار الوزاق، ۲۰۰۷م.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۸. دحلان، احمد زینی، **فتنة الوهابية**، تحقیق: حسین حلمی بن سعید استانبولی، ترکیه: اشیق کتاب اوی، ۱۹۷۸م.
۹. راغب، عبدالواحد محمد، **فجر الرياض**، رياض: دار الملك عبدالعزيز، ۱۴۱۹ق.
۱۰. زهاوی، جمیل صدقی، **الفجر الصادق؛ فی الرد علی الفرقة الوهابية**، مصر: دار الصدیق الأكبر، ۱۳۲۳ق.
۱۱. عبدالملکی، محسن، **وهابیت؛ تاریخ و افکار**، قم: دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۹۴ش.
۱۲. عثیمین، عبدالله صالح، **تاریخ المملكة العربية السعودية**، رياض: مكتبة العبيكان، ۱۴۲۶ق.
۱۳. عثیمین، عبدالله صالح، **معارك الملك عبدالعزيز المشهورة لتوحيد البلاد**، رياض: بی نا، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۱۴. عزیززاده موسوی، سیدمهدی، **تبارشناسی سلفی گری و وهابیت**، قم: آوای منجی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ش.
۱۵. غیب‌غلامی، حسین، **وهابیت قبل از نفت**، قم: مرکز نشر ابتا، ۱۳۹۳ش.
۱۶. فیلی، هری سنت جان بریجر، **تاریخ نجد و دعوة محمد بن عبدالوهاب**، تعریب: عمر دیراوی، بیروت: منشورات المكتبة الأهلية، بی تا.
۱۷. مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان، **وهابیت سیاسی**، تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰ش.

١٨. نصيف، محمد، أخبار نجد من مجلة لغة العرب البغدادية، تحقيق: قاسم بن خلف الرويس، بيروت: جداول، ٢٠١٤م.
١٩. نويسندة نامشخص، لمع الشهاب في سيرة محمد بن عبدالوهاب، تحقيق: احمد ابو حاكمه، لبنان: مطابع بيبيلوس الحديثة، ١٩٧٦م.